

خطای خود را جبران کنم؛ زیرا که این قضیه، بار دیگری، محتاج تفحص و تعمق در مقدمه «ابن خلدون» بود و مشاغل یومی مجال آن نمیداد؛ تا اینکه در جراید اخیره مصر، بقلم نویسنده مقتدر قطر: «سلامه موسی» مقاله خواندم که ترجمه و نقل آن ما را از تدقیق و تتبع دوم «مقدمه» مستغنی میدارد. اینک عین ترجمه مقاله «سلامه موسی»:-

### «ثقافت و حضارت»

«نأثیر ثقافت در تولید و تزیین حضارت»

«اول کسی که کلمه (ثقافت) را در ادبیات جدیده عرب منتشر ساخت من بودم ولی این عبارت را از خود ایجاد نکردم و بلکه آن را از ابن خلدون انتحال نمودم؛ زیرا که ابن خلدون این لفظ را در معنی شبیه بمفهوم کلمه (Culture) که در ادبیات اروپا شایع است، استعمال میکند. و شیوع کلمه (ثقافت) در آثار قلمی نویسندگان ما دلیل بر این است که ما احتیاج شدیدی بر استعمال آن داشته ایم. و این عبارت معنی را که در ضمایر ما مضمحل بوده کاملاً ادا مینماید. اینک باید دید که فرق ما بین (ثقافت) و (حضارت) چیست؟»

«ثقافت» عبارتست از معارف و علوم و آداب و فنی که مردم با آنها تنقف، یعنی حذاقت پیدا میکنند. و اگرچه اینها را کتب نیز محتوی میباشد، ولی، باوجود این، همه اینها مخصوص اذهان بوده و از جمله معنویات هستند»

«اما حضارت» اشیاء مادی است که درآلات اختراعی و بناهای برافراشته و نظامات مجری و مطاع دول و درادبان و مذاهب دارای شعائر و مناسک و در عادات و مؤسسات محسوس میگردد، بنابراین، حضارت

مادی و ثقافت معنوی است» «ممکن است که انسانی دارای ثقافت باشد و عاری از حضارت و بالعکس، یعنی همچنین امکان دارد که شخصی صاحب حضارت باشد و دور از ثقافت؛ مثلاً، حضارت اطفال ما از ارسطو بیشتر است؛ زیرا که اولاد مادر خانوادهای متحضری زندگی می‌کنند که دارای اتومبیل و الکترونیک و پارک و حکومت مشروطه هستند»

«غذا های متنوعه می‌خورند، روی تخت خوابهای نظیف می‌خوانند و حد اقل نظافت اینها که استعمال صابون است از حد اکثر نظافت حکیم مذکور قطعاً بیشتر است؛ ولیکن ثقافت ارسطو حتماً از اغلب ماههای بیشتر بوده است. همچنین است احوال ملل و اقوام یعنی ممکن است که آنها هم در ثقافت و حضارت از یکدیگر پس و پیش باشند؛ مثلاً امریکائیها از انگلیسیها بیشتر حضارت دارند ولی ثقافت آنها از اینها کمتر است. دلیل این مدعی مقدار کتبی است که در حال حاضر در هر یک از این دو مملکت طبع و نشر میشود»

«امپراطور سابق آلمان گفته است. وقتی که وارد انگلستان شدم فهمیدم که انگلیس از حیث حضارت بر همه اروپائیان مقدمتر است؛ زیرا که انسان در آنجا خود را محصور آلات و ادوات حضارت می‌بینید؛ ولی آلمان کشور ثقافت است»

«قیصر درست فهمیده و راست گفته است؛ زیرا در طرف مدتی که در انگلستان یک جلد کتاب بطبع میرسد در آلمان سه جلد از طبع خارج میشود»

این قسمت از مقاله سلامه موسی خطای سابق نگارنده را اصلاح و بقارئین محترم معنی حقیقی «حرث» را کاملاً معرفی مینماید اما اینکه رابطه «حرث» با حضارت چیست و تأثیر آن در تربیت افراد و ترقی و تنزل اقوام و ملل چگونه است؛ انشاء الله در آتیه در این دو موضوع مفصلاً بحث خواهیم کرد (اسمعیل یکانی)